

ملانصرالدین، متبسم گریان

علی ططری

مقدمه

بی‌گمان روزنامه مصور و طنز ملانصرالدین از بی‌بدیل‌ترین نشریاتی بود که با اهداف مشخص و همزمان با پیروزی انقلاب مشروطه ایران پا به عرصه مطبوعات نهاد. انتشار این روزنامه به دو زبان ترکی، روسی و اندکی فارسی در شهرهای تفلیس، باکو و تبریز تأثیر بسزایی در نحوه تفکر جامعه به جای گذارد. جالب آنکه نوع نگاه طنزآلود ملانصرالدین الگوی بسیاری از نشریات فکاهی شد که پس از مشروطه چاپ و منتشر گردیدند. هیأت تحریریه ملانصرالدین از مبرزترین و تواناترین روشن‌بینانی بودند که با نگاهی دقیق و موشکافانه کاستی‌ها و کمبودهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه آنروز را در قالب طنز مصور به اطلاع مردم رساندند و کم‌کاری دولتمردان ایران را بدیشان گوشزد نمودند.

ملانصرالدین از ۷ آوریل ۱۹۰۶ تا ۱۹۳۱م با دیدگاه ویژه خود جامعه ایران را به تصور کشید.

ملانصرالدین روزنامه مصور هزل و طنزی^۱ بود که به مدیریت و سردبیری جلیل محمدقلی‌زاده نخجوانی در سال ۱۳۲۴ق (۱۹۰۶م) همزمان با انقلاب مشروطه ایران در آذربایجان و به عبارتی تفلیس مرکز قفقاز منتشر شد.^۲

«تاریخ مطبوعات قفقاز از دهه هفتم قرن نوزده میلادی آغاز شد و در مدت کوتاهی راه رشد و تکامل خود را پیمود و در اوایل قرن بیستم به یکی از ارگان‌های مهم اجتماعی، سیاسی و ادبی تبدیل شد. مخصوصاً بعد از انقلاب ۱۹۰۵ حکومت روسیه مجبور شد که با نشر اعلامیه ریاکارانه مورخ ۱۸ مارس ۱۹۰۶ تا حدی نرمش و گذشت‌هایی در مورد مطبوعات مرعی دارد.»^۳

با توجه به این شرایط، موقعیت مناسبی پیش آمد تا تمام گروه‌های مخفی آشکارا به فعالیت بپردازند و به انتشار روزنامه مبادرت ورزند. در این میان ملانصرالدین نقش اول را برعهده داشت.



ملانصرالدین که نام مرد بذله‌گویی در افسانه‌های مردمی بود، به عنوان نام نشریه انتخاب شد و این روزنامه با استفاده از شیوه ملانصرالدین در بیان واقعیت‌های روزمره همراه با چاپ کاریکاتورهایی موجب تحریک و بیداری اذهان عمومی گردید.^۴

نخستین شماره روزنامه ملانصرالدین در ۱۲ صفر ۱۳۳۴ق/ ۷ آوریل ۱۹۰۶ م. در تفلیس و با اهداف ذیل انتشار یافت:

«۱- افشای اعمال ضد خلقی حکومت

روسیه

۲- انتقاد از شیوه حکومت مطلقه در بین

ملل و مسلمان خاور نزدیک

۳- مبارزه علیه خرافات دینی، تعصبات و

جهالت و ...

۴- مبارزه علیه نژادپرستی از جمله پان

اسلاویسم و پان ترکسیم و ...

۵- دفاع و تبلیغ عقیده اتحاد بین‌الملل و دوستی ملت‌ها

۶- دفاع از حقوق کارگران و دهقانان

۷- دفاع از تساوی حقوق زنان.»^۵

موارد فوق شاخص ایدئولوژی و نوع تفکر و اندیشه‌های نویسندگان و بنیانگذاران ملانصرالدین هستند. علاوه بر جلیل محمدقلی‌زاده که به معرفی آن خواهیم پرداخت کسانی چون میرزا علی‌اکبر طاهرزاده مشهور به صابر^۶ (۱۹۱۱-۱۸۶۲ م)، علی نظمی (۱۹۴۶-۱۸۷۸ م)، محمد سعید اردوباری (۱۹۵۰-۱۸۷۲ م)، عبدالرحیم بگ حقویردیف (۱۹۳۲-۱۸۷۰ م)، علی قلی غمگسار (۱۹۱۹-۱۸۸۰ م)^۷ و ... با نام‌های مستعار در ملانصرالدین مقاله می‌نوشتند.

ملانصرالدین بعضاً به زبان ترکی چاپ می‌شد و در برخی شماره‌ها ستونی به مطالب زبان فارسی اختصاص داده می‌شد و برخلاف آنکه روزنامه خطاب می‌شود به صورت هفتگی منتشر می‌گردید. اشعار این نشریه اثر قریحه صابر طاهرزاده شیروانی و تعدادی از شعرای بنام آذربایجان بود و نقاشان توانایی از جمله عظیم عظیم‌زاده باکویی^۸ در ترسیم کاریکاتورها و نقاشی‌های جالب مجله با آن همکاری می‌نمودند.^۹ بی‌دلیل نیست که کسروی در کتاب تاریخ مشروطه به این مهم اشاره می‌کند:

«ملانصرالدین از روزنامه‌هایی است که باید در تاریخ بماند. این روزنامه یکی شاعر خوب، و یک نگارنده»

نقاش) خوب، و چندتن نویسنده خوب می‌داشت، و با همان زبان شوخی، از بدی‌ها سرزنش و نکوهش می‌نمود و نوشته‌هایش کارگر می‌افتاد.^{۱۰}

تیراژ روزنامه ملانصرالدین در شماره نخست بالغ بر هزار نسخه بوده است که در دومین شماره به دو هزار مردم از این نشریه داشت، که بی‌تردید مهمترین دلایل این توجه ملانصرالدین به مسائل و مشکلات اجتماعی روز با بیانی ساده و شیرین و جسارت تمام و همچنین همکاری و جذب تدریجی نویسندگان و شعرای مشهور و باسواد آذربایجان با ملانصرالدین بود.

ملانصرالدین و تأثیر آن بر جامعه و مطبوعات ایران

از همان ابتدای انتشار ملانصرالدین در تفلیس تأثیرات آن بر جامعه و مطبوعات ایران به ویژه آذربایجان به روشنی آشکار گردید. این نشریه توسط فردی توانمند و آگاه و آشنا با جامعه و آداب و رسوم ایرانیان منتشر می‌شد کسی که خود اصالتاً ایرانی بود و از این منظر چاپ این نشریه برای ایرانیان واقعه‌ای مهم به شمار می‌رفت.

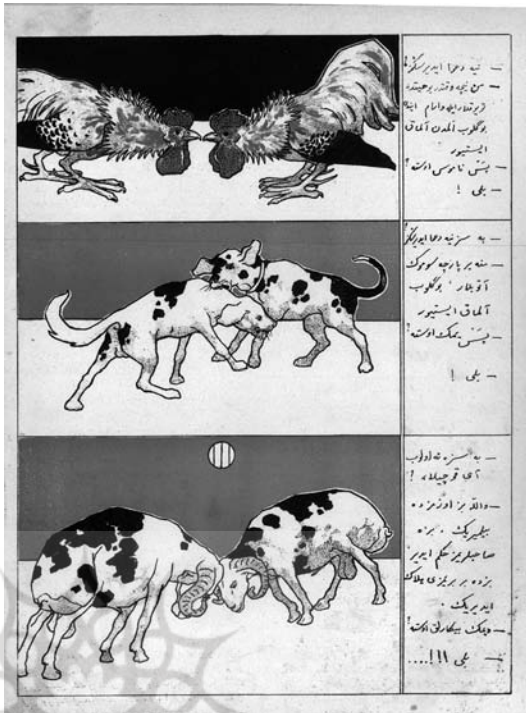
ملانصرالدین «بر همه ملل اسلامی نظر و معایب و مفاصد این کشورها از ایران، عثمانی، افغانستان، عربستان و الجزایر با زبان ساده آمیخته به هزل و شعرها و حکایت‌ها و پاورقی‌ها و داستان‌های کوتاه و نامه‌ها و تلگراف‌های فکاهی و اندرزه‌های مطابیت آمیز و کاریکاتورهای نفیس و جاندار و بالاخره قیام مقهورانه برضد تمام آن چیزهایی که تا آن روز محترم و مصون از تعرض بود، فاش کرد.»^{۱۲} زبان تند و تیز ملانصرالدین همیشه علیه حکومت تزاری به کار نمی‌رفت بلکه گردانندگان ملانصرالدین با توجه به آشنایی

فراوانی که نسبت به مسائل جاریه ایران داشتند در اغلب شماره‌ها مطالبی را به موضوعات سیاسی و اجتماعی روز ایران اختصاص می‌دادند. و از آنجا که این نشریه در مورد ایران از آزادی بیان بیشتری برخوردار بود، کاریکاتورهای رنگی و شعرها و ریشخندها و گوشه‌هایی زننده را در چهل و نه شماره خود در مورد ایران انتشار داد و نسخه‌های متعددی از آن هر هفته به تهران، رشت، تبریز و مشهد می‌رسید و بین مردم توزیع می‌شد. در این مورد می‌نویسند:



«... به ویژه ملانصرالدین که چون با زبان شوخی و با ترکی بسیار ساده نوشته می‌شد و نگاره‌ها (کاریکاتورها) می‌داشت آن را بیشتر می‌خواندند. در ماه‌های نخست جنبش، محمدعلی میرزا از پراکنده شدن آن در میان مردم جلو گرفت و در پستخانه نگه می‌داشتند.»^{۳۱}

براون نیز متضمن این نکته است که ملانصرالدین را از «بهترین و سودمندترین مطبوعات فکاهی انتقادی» معرفی می‌کند، نظریهٔ جالبی دربارهٔ آن ارائه می‌دهد:



«این مجله فی‌الحقیقه در مشرق زمین عظیم‌النظیر بوده و چون در موضوعات و مسائل ایران نیز وارد بحث می‌شده تأثیر تاریخی مهمی در ایالات و ولایات ایران هم سرحد با قفقازیه و حتی خود تهران داشته است، چنان که ستون چرند و پرند

مجلهٔ صوراسرافیل کاملاً تحت تأثیر و الهام و سبک و شیوهٔ ملانصرالدین نگاشته شده و نویسنده آن میرزا علی‌اکبرخان قزوینی معروف به دخو یا دهخدا با زبان آذربایجانی آشنا بوده است.»^{۳۲}

بعد از انتشار ملانصرالدین چندین روزنامه، هفته‌نامه و ... با الهام از آن و به نام «ملانصرالدین» در ایران به چاپ رسید که به طور عمده پیرو ملانصرالدین قلی‌زاده بودند، این روند حتی تا بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران نیز ادامه یافت و در اوایل انقلاب مجلهٔ فکاهی تحت همین عنوان منتشر می‌شد.^{۳۳}

ملانصرالدین و جنبش مشروطه‌خواهی

ملانصرالدین با زبان ساده و مردمی که داشت تبدیل به مدافع سرسخت آزادی، مشروطه‌طلبی و دشمن ستمگران ضدمشروطه همچون محمدعلی شاه بود که در این راستا با استقبال عمومی مواجه شد و مقتدای نشریات انتقادی، سیاسی و طنز گردید.^{۳۴} بی‌تردید یکی از جنبه‌های همکاری و کمک آزادی‌خواهان قفقاز به هم‌تایان ایرانی خود، به خصوص در آذربایجان، انتشار مجلهٔ ملانصرالدین با مضامین طنز سیاسی - اجتماعی بود. میرزا جلیل مدیر این مجله از گروه آزادی‌خواهان روشنفکر بود که خود را «ایرانی خالص می‌دانست و با نیروی قلم، افکار ملت ایران را به جهان آزاد معرفی می‌کرد.»^{۳۵}

طاهرزادهٔ بهزاد دربارهٔ نقش ملانصرالدین در انقلاب مشروطه می‌نویسد:

«به طور کلی نفوذ مقال و گفتار این... روزنامه در فرار دل‌ها و افکار عمومی شیپارهای عمیقی ایجاد می‌کرد و به خصوص لطیفه‌های سیاسی دو پهلو و تصاویر رنگین پرمعنی ملانصرالدین در بیداری و هوشیاری مردم نقش بزرگی ایفا می‌کرد.»^{۸۱}

نویسندگان ملانصرالدین حوادث و وقایع انقلاب مشروطه را قدم به قدم دنبال می‌کردند و در ترغیب مشروطه‌خواهان و انقلابیون نقش مؤثری ایفا نمودند، به خصوص وقایعی که در آذربایجان رخ می‌داد، زیرا این منطقه به لحاظ جغرافیایی به قفقاز نزدیک‌تر بود و بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت.

ملانصرالدین در یکی از شماره‌های خود می‌نویسد: «ما در مصیبتی که برای ایران رخ داده با برادران ایرانی خود شریک هستیم. به روان پاک اربابان قلم و مجاهدان آزادی که به فرمان جلاخان نامرد در راه وطن به شهادت رسیده‌اند، کرنش می‌کنیم و نجات کشور ایران را از این مصیبت و خوشبختی مردم آن را از صمیم قلب آرزو می‌کنیم.»^{۱۹}

ملانصرالدین به عنوان «یک ارگان دموکرات انقلابی» با چاپ مقاله‌های سیاسی - اجتماعی هزل و طنزی که توسط عده‌ای از روشنفکران نگاشته می‌شد، مبلغ «افکار انقلابی» بود و «با شاه ایران و سلطان عثمانی و امیر بخارا و اشرف و اعیان و غارتگران دیگر» مقابله می‌کرد. ملانصرالدین در واقع «جهان استعمار و استعمار را با رسوم و قوانین ظالمانه آن به باد ریشخند و استهزاء می‌گرفت.»^{۲۰}

پرداختن به موضوعات روز و اساسی ایران بخصوص انقلاب مشروطه که استقبال گسترده مردم ایران را همراه داشت، سردمداران حکومت ایران را وادار نمود تا به هر قیمتی که شده از ورود این نشریه به داخل کشور جلوگیری نمایند. بنابراین، در همان آغازین روزهای جنبش مشروطیت ملت ایران، محمدعلی شاه، دستور توقیف نسخه‌های ارسالی ملانصرالدین در پستخانه‌های کشور را صادر کرد و انجمن تبریز که در آن زمان از ارگان‌های انقلابی به شمار می‌رفت، در مقام مقابله برآمد و با شکایت به مجلس شورای ملی تقاضای رفع توقیف را نمود.^{۲۱} اقدامات محمدعلی شاه به هیچ وجه مؤثر نیفتاد.

ملانصرالدین «در تبریز و نقاط دیگر آذربایجان» بر سر زبان‌ها جاری شد و در کوچه و بازار پراکنده می‌گشت.»^{۲۲} اما هر زمان که نسخه‌ای از آن به دست مأموران دولتی می‌افتاد طعمه آتش می‌شد.»^{۲۳}

ملانصرالدین یک بار به دلیل انتشار مقاله‌ای شدیدالحن علیه حکام ایران توقیف گردید و «کمیته امور مطبوعات گرجستان در ۲۲ ژوئن ۱۹۰۷ م طی نامه‌ای سبب این توقیف را به دفترخانه اداره سر حکومت قفقاز» توضیح داده است.^{۲۴}

شور و اشتیاق مردم ایران به ویژه مردم آزادی‌خواه آذربایجان نسبت به ملانصرالدین موجب شد دست‌اندرکاران این نشریه به مدیریت قلی‌زاده با توجه به تمام مشکلاتی که وجود داشت در تبریز به انتشار ملانصرالدین بپردازند.

نخستین شماره در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۲۹۹ ش / ۱۹ فوریه ۱۹۲۱ م که البته «در بالای صفحه اول آن، تاریخ نشر، اول اسفند ماه رقم خورده است.»^{۲۵} منتشر گردید. این نسخه در هشت صفحه و به همراه سه کاریکاتور به چاپ رسید. هشتمین یا آخرین شماره نیز در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۰۰ ش / ۱۷ مه ۱۹۲۱ م انتشار

یافت.^{۲۶} متوقف شدن انتشار ملانصرالدین در تبریز شاید به دلیل بازگشت محمدقلی زاده به باکو باشد.



مدیر ملانصرالدین که بود؟

ملانصرالدین بی‌تردید محبوبیتش را مدیون سردبیر صاحب امتیاز و نویسندگان توانمند و خلاق مبتکر بوده است. سپس به نظر آشنایی هرچند مختصر با مدیر این نشریه که به مدت بیست و پنج سال هرچند بار وقفه‌هایی به دست مردم می‌رسیده است خالی از لطف نیست.

جلیل محمدقلی‌زاده مؤسس و پایه‌گذار ملانصرالدین، «فرزند محمدقلی، در ولایت نخجوان» و در روستایی به نام «نهرم» دیده به جهان گشود. «جدش حسینعلی بنا در اوایل قرن نوزدهم میلادی از شهر خوی به نخجوان رفته و در آنجا با دختری از همشهریان خود ازدواج کرده است.»^{۳۲}

اغلب منابع و مآخذی که به موضوع ملانصرالدین پرداخته‌اند، به احساس غرور و مباهات فراوان جلیل محمدقلی‌زاده به ایرانی‌الاصل بودنش و این که این موضوع را باعث سرافرازی خود می‌دانسته است، اشاره دارند.

جلیل در سنین کودکی زبان فارسی و عربی را فراگرفت و در سن چهارده سالگی به دارالمعلمین شهر گوری گرجستان وارد شد و زبان روسی را نیز در همان جا آموخت، و سپس شغل معلمی را پیشه کرد. او در سال ۱۹۰۴ م فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز نمود. قلی‌زاده پیش از ورود به دنیای مطبوعات با نوشتن چند نمایشنامه و داستان کوتاه تبحر و تسلط خود را در خلق سبک نویسندگی طنز و نیز به نمایش کشیدن طرز زندگی و معیشت مردم مسلمان قفقاز به نمایش درآورده بود. از مهمترین آثاری که میرزاخلیل در زمینه‌های مذکور از خود به جای گذارده است، می‌توان به نمایشنامه‌های «مردها، مجمع دیوانگان، کتاب مادرم، کمانچه» و داستان‌های: «صندوق پست، احوال ده داناباش و استاد زینال و ...» اشاره کرد.^{۸۲}

هرچند که نگارنده به هیچ کدام از آثار منتشره جلیل قلی‌زاده دسترسی نداشته و موفق به مطالعه آنان نشده ولی چنانکه از منابع و شواهد برمی‌آید، محور دستنوشته‌های میرزا جلیل سراسر مملو از بیان واقعیت‌های اجتماعی [و حقایق روزگار اوست]. وی بدون توجه به مرزهای ظاهری میان ممالک اسلامی خوانندگان خاص خود را داشته است. این نویسنده در آثارش، خود را مدافع آزادی [ملل] تحت استعمار و استعمار جهان معرفی نموده است.

او در بیان نامه ملانصرالدین در شماره ۱۲ در تاریخ ۲۳ ژوئن ۱۹۰۶ م خود را آرزومند جامعه‌ای می‌داند که «آقا و گدا، دارا و ندار از حیث حقوق و اختیارات یکسان باشند، حکومتی بر سر کار آید که اصول



آزادی را اعلام و به جای وضع قوانین شدید جزاء و اعدام، املاک و اراضی را بین کشاورزان و دهقانان تقسیم نماید و کارگران و روستاییان را در امور دولتی دخالت بدهد و کارها را به طریق بحث و شورا اداره نماید.^{۳۹}

اهداف بلند و جهان شمول قلی‌زاده شهرت فراوانی برای او به ارمغان آورد و بیان مطالب روشنگرانه او سبب شد طرفداران زیادی در اروپا و آسیا به دست آورد و مورد احترام خاص و عام گردد.

و سخن آخر...

همانطور که در سطور نخستین مقاله اشاره شد ملانصرالدین با تأثیر بی‌دلیل خود بر شیوه نویسندگی مطبوعات طنز و فکاهی سبک جدیدی را در تاریخ طنز خلق کرد و به عنوان الگویی ابدی برای جراید طنز منطقه، تاکنون اثراتش قابل مشاهده است.

بیست و پنج سال تداوم چاپ در شهرهای «تفلیس، باکو و تبریز» و مقبولیت کم‌نظیر، کارنامه‌ای درخشان را برای ملانصرالدین به ثبت رسانید.^{۳۰}

ولی باید اذعان داشت بیان واقعیت‌های تلخ سیاسی - اجتماعی و پرداختن به موضوعاتی که درد جامعه اسلامی آن دوره بود، نمی‌توانست چندان آسان باشد به خصوص با توجه به حکومت‌های مستبد و خفقانی که در ایران و شوروی آن عصر وجود داشت. بررسی وقفه‌هایی که در انتشار ملانصرالدین به وجود آمد؛ خود گواه این واقعیت است.

در سال‌های ۱۹۰۷، ۱۹۱۲، ۱۹۱۳، ۱۹۱۴، ۱۹۱۵، ۱۹۱۶، ۱۹۱۷ م وقفه‌هایی در انتشار این روزنامه مردمی بوجود آمد، که دلایل مختلفی داشتند از جمله: «سانسور دولت روسیه، فشار طبقات و قشرهای ارتجاعی، جنگ.»^{۳۱}

جالب است بدانیم که روزنامه ملانصرالدین از همان آغازین روزهای انتشارش توسط اداره سانسور پلیس روسیه کنترل می‌شد، ولی نویسندگان با زیرکی تمام از زیر سیطره پلیس با انواع حربه‌های نویسندگی خود فرار می‌کردند.

تا سال ۱۹۳۰ م ملانصرالدین به حیات خود ادامه داد، و در آن سال سی و سه شماره از این روزنامه به دست مردم رسید و سرانجام در سال ۱۹۳۱ م فقط دو شماره از زیر چاپ بیرون آمد و بعد از آن ملانصرالدین

برای همیشه تعطیل شد. در این سال‌ها قلی‌زاده به سبب کهولت سن دیگر قادر به سازماندهی کارها نبود، تا اینکه بالاخره آفتاب عمر قلی‌زاده در سال ۱۹۳۲ م غروب کرد. خاطره قلی‌زاده و ملانصرالدین هرگز از خاطره روزگار محو نخواهد شد و برای همیشه جاودان خواهد ماند.

سرانجام، مطلب را با کلامی از ملانصرالدین که در شماره اول خود و خطاب به خوانندگانش نوشته است، به پایان می‌رسانیم:

«ای برادران مسلمان، هنگامی که سخن خنده‌داری از من شنیدید و دهن خود را به هوا باز کرده و چشمها را برهم نهاده آنقدر قاه قاه خندید که از خنده روده‌بر شدید و به جای دستمال چشمها را با دامن خود پاک کرده و لعنت بر شیطان گفتید... گمان نکنید که به ملانصرالدین می‌خندید... ای برادران مسلمان اگر می‌خواهید بدانید به که می‌خندید آینه را به دستتان بگیرید و جمال مبارک خود را تماشا کنید!»^{۳۳}

پی‌نوشت‌ها

۱- طنز: «طعنه زدن، سرزنش کردن» (معین، چ ۱۳، ۱۳۷۸، مدخل «طنز») «طنز - طنز: او را ریش‌خند کرد و سخنانی به او گفت که او را به هیجان آورد. (لاروس، چ ۱۰، ۱۳۷۹، مدخل «طنز»)

۲- محمد محیط طباطبایی، تاریخ تحلیل مطبوعات ایران (تهران: بعثت، ۱۳۷۵، چ ۲)، ص ۲۲۰.
۳- محمد پیفون، «روزنامه ملانصرالدین» نامه انجمن کتابداران ایران، دوره ۹، ش ۱، (بهار ۲۵۳۵): ص ۲۱.

۴- همان، ص ۲۳.

۵- همان، صص ۲۴ و ۲۳.

۶- میرزا علی‌اکبر صابر در شهر شماخی، که یکی از شهرهای قدیمی آذربایجان است، به دنیا آمد. تحصیلات اولیه خود را در ملاخانه (مکتب‌خانه) آموخت و سپس در مدرسه‌ای که سیدعظیم شیروانی با اصول نوین تأسیس کرده بود به تحصیل پرداخت... در سال ۱۲۸۴ ه.ق به موضوع سیاسی روی برد و یکی از سران مکتب رئالیسم در ادبیات آذربایجان گردید... صابر یکی از فعال‌ترین همکاران «ملانصرالدین» بود... اشعار صابر با امضای مستعار «هوپ هوپ» و «اغلاگوله‌ین» یعنی متبسم گریان و «ابونصر شیبانی» چاپ می‌شد... کمی بعد صابر در باکو به معلمی روی آورد و آشنایی وی در این شهر با انقلابیون و نزدیکی او با کارگران در فعالیت‌های ادبی و تأثیر بسیار مثبتی بخشیده... صابر یکی از برجسته‌ترین نمایندگان مکتب رئالیستی است که میرزافتحعلی آخوندزاده در ادبیات آذربایجان بنیان‌گذاری کرده بود... او مسائل ادبی را از نقطه نظر خواست‌ها و نیازهای مردم توصیف و تشریح می‌کرد... او مخالف رمانتیسیم مرتجعی بود که می‌کوشید طرز تفکر بورژوا - فئودال را اشاعه دهد... در افشای استعمارگران، در

دعوت مردم به مبارزه برای آزادی، در حملات خود علیه شخصیت‌های منفی و در ترنم آینده‌ای درخشان، همیشه از احساسات مقدس میهن‌پرستی الهام می‌گیرد و محرومیت کامل انسان را در جامعه طبقاتی تحت ستم به طور داهیهانه بیان می‌کند. هنگامی که جنبش‌های دموکراتیک در ایران پاگرفته بود، در بین هنرمندانی که در آذربایجان و در این موضوع فعالیت کردند یکی صابر بود که از استبداد حاکمان، خودسری اربابان، نفوذ بیگانگان، محرومیت زحمتکش‌ان و عقب‌ماندگی کشور، فریادها بربل داشت. می‌توان گفت کلیه مراحل انقلاب مشروطه ایران در آثار صابر منعکس است...» (حسین بهزادی اندوه‌جردی، طنز و طنزپردازی در ایران (تهران: صدوق، ۱۳۷۸)، صص ۶۰۲ تا ۶۰۰.

۷- رحیم رئیس‌نیا، عزیز حاجی بگوف و دو انقلاب (تهران: چاپار، بی‌تا)، ص ۹۶.
 ۸- عظیم عظیم‌زاده (۱۸۸۰ م تا ۱۹۴۲ م) که نامش با روزنامه ملانصرالدین آمیخته شده است، در خانواده‌ای متدین و مسلمان چشم به جهان گشود. او که با مسائل و مشکلات مسلمانان آشنایی داشت در کار تصویرگری از زندگی آنان نیز استادی و مهارت خاصی از خود نشان داد. عظیم‌زاده، علاوه بر ملانصرالدین، برای بسیاری از روزنامه‌های فکاهی آن زمان کاریکاتور می‌کشید. موضوع کاریکاتورهای عظیم‌زاده علاوه بر مسایل سیاسی و اجتماعی اکثراً جنبه خرافی داشت و او در این مورد از همگنان خود پا را فراتر گذاشته و مستقیماً ادای مطلب کرده است. عظیم‌زاده که نقل کرده است: «یک سوسیال دموکرات مؤمن بوده است» اغلب تحت تعقیب مأموران روس قرار داشته و مدتی نیز زندگی مخفی پیشه نموده است. او علاوه بر نقاشی در کار تئاتر و مجسمه‌سازی نیز مهارت داشت ولی بیشتر به خاطر نقاشی‌هایش معروف است... او در مدت انتشار روزنامه ۱۵۰۰ کاریکاتور برای ملانصرالدین ترسیم نمود.» (پیفون، همان، صص ۶۰ و ۵۹)

۹- ه. ل. رابینو، روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ه. ق. / ۱۲۸۹ ش، ترجمه و تدوین جعفر خمایی زاده (تهران: اطلاعات، ۱۳۸۰، چ ۲)، ص ۲۴۱.

۱۰- احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران (تهران: صدای معاصر، ۱۳۷۸)، ص ۲۴۰.

۱۱- پیفون، همان، ص ۲۴.

۱۲- یحیی آرین‌پور، از صبا تا نیما، (تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۷، چ ۵)، ص ۴۳.

۱۳- کسروی، همان، ص ۲۴۰.

۱۴- ادوارد گرانویل براون، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ج ۲، ترجمه محمد عباسی (تهران: کانون معرفت، ۱۳۳۷)، صص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۱۵- برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: مرتضی فرجیان و دیگران، طنزسرایان ایران از مشروطه تا انقلاب، ج ۳، (تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۰)، ص ۱۰۷۱.

- ۱۶- محیط طباطبایی، همان، ص ۲۲۰.
- ۱۷- فرجیان و دیگران، همان، ص ۱۰۷۰.
- ۱۸- کریم طاهرزاده بهزاد، قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران (تهران: اقبال ۱۳۶۳، ج ۲)، ص ۱۲۰.
- ۱۹- همان، ص ۲۷.
- ۲۰- آراین پور، همان، ص ۴۴.
- ۲۱- همان، ص ۴۱.
- ۲۲- کسروی، همان، ص ۲۴۰.
- ۲۳- رئیس نیا، همان، ص ۱۱۳.
- ۲۴- همان، ص ۱۱۳.
- ۲۵- صمد سرداری نیا، ملانصرالدین در تبریز (تهران: چاپ و نشر هادی، بی تا)، ص ۱۶۳.
- ۲۶- همان، ص ۲۲۹.
- ۲۷- آراین پور، همان، ص ۴۰.
- ۲۸- همان، ص ۴۱ و پیفون، ص ۴۹.
- ۲۹- آراین پور، همان، ص ۴۲.
- ۳۰- روزنامه ملانصرالدین بین سالهای ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۷ م در تقلیس منتشر می شده در سال ۱۹۲۱ م هشت شماره آن در تبریز انتشار یافت و در نهایت از سال ۱۹۲۲ م تا ۱۹۳۱ م در شهر باکو به دست مردم می رسید. (پیفون، همان، ص ۱۲).
- ۳۱- همان، صص ۱۵ و ۱۶.
- ۳۲- به نقل از: آراین پور، همان، ص ۴۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی